

((بلاغت))

بلاغت در لغت « رسیدن و پایان » است. ”گویند فلانی به مراد خویش رسید ؛ وقتی است که به آن رسیده“ و ”کاروان به شهر رسیده ؛ وقتی است که پایان رسیدن به آنجا باشد“ و مبلغ چیزی پایان آن است و در اصطلاح صفت کلام و متکلم است.

بلاغت شامل سه علم است:

۱- معانی: سخن گفتن به مقتضای حال و مقام مخاطب. علم معانی به ما یاد می دهد که امر و نهی و نوا و استفهام به چه معنی به کار می رود.

۲- بیان: گفتن سخن به شیوه های مختلف. مانند: علی شجاعٌ. به صورت دیگر: عَلِيُّ كَأَنَّ سَدَّ فِي الشُّجَاعَةِ. (علی در شجاعت مانند شیر است.)

یا به شکل دیگر: رَأَيْتُ أَسْوَأَ فِي الصَّفِّ (شیری در کلاس دیدم). شجاعت علی را بالا می برد.

۳- بدیع: در لغت ، نو پدید آمده ای ایجاد شده بدون نمونه ی پیشین. مانند:

بَدِيعُ الْأَسْمَوَاتِ وَالْأَرْضِ. (یعنی نو آفریننده ی آن) و در اصطلاح دانشی است که شیوه ها به وسیله ی آن شناخته می شود و دارای مزایایی است که به سخن ؛ نیکویی و شادابی می افزاید و به آن درخشش و رونق می بخشد.

علم المعانی ← تأکید الکلام .

